

## میتراپرستی در ایران و روم

**علی رضائیان ابرقوئی**

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران [Rezaeian74@yahoo.com](mailto:Rezaeian74@yahoo.com)

**محمد کریم یوسف جمالی (نویسندهٔ مسؤل)**

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

[Yousefjamali.Mohammadkarim@gmail.com](mailto:Yousefjamali.Mohammadkarim@gmail.com)

**ناصر جدیدی**

گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران [Jadidi-Naser@yahoo.com](mailto:Jadidi-Naser@yahoo.com)

**مجله علمی پژوهشی تاریخ - شماره ۵۸ - پاییز ۹۹ - صفحه ۳۰۳-۲۷۹**

**تاریخ دریافت مقاله : ۹۹/۷/۳ تاریخ پذیرش ۹۹/۱۰/۶**

### چکیده:

غریزه پرستش از دیرباز درون انسان‌ها وجود داشته است و همین عاملی شده تا انسان‌ها گرایش به پرستش عوامل طبیعت پیدا کنند. این امیال در طول تاریخ تغییر کرده و به شکل آئین‌های مختلف ظهور کرده است. آئین مهرپرستی یا میترائیسم یکی از این ادیان است که هزاران سال پیش در بین آریائی‌ها رواج داشته است. چگونگی زایش این دین و اعتقادات پیروان آن در حاله‌ای از ابهام فرورفته و نظریه‌های متفاوتی در این باره ارائه شده است. این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، ضمن استفاده از متون دینی اوستا؛ خصوصاً سرودهای مهریشت، اناجیل، سرودهای ودایی، کتیبه‌های فارسی باستان و دوره میانه و پژوهش‌های انجام شده در قالب مقالات و کتب تحقیقاتی، به تبیین و تحلیل آیین میترا پرداخته و پس از شرحی درباره مهرپرستی، زایش و وظایف مهر به شعایر آن و افولش پرداخته است تا ابعاد این آیین کهن ایرانی که ریشه در خورشیدپرستی - جهان‌گیرترین آئین در تاریخ بشر - دارد، روشن‌تر شود. نوشته‌های ریگ‌ودا، نوشته‌های بازمانده باستان و سرودهای اوستا به‌ویژه مهریشت سروده ویژه ایزد مهر، همگی نشان از بزرگی و عظمت آن در بین دیگر ایزدان دارد.

**واژگان کلیدی:** آیین مهر - میتراپرستی - مهریشت - شعایر.

## مقدمه

در ادوار کهن باورهای مقدس اقوام ابتدایی سینه‌به‌سینه نقل شده و در قالب اساطیر اقوام برای آیندگان بازگو شده‌اند. این باورهای مقدس به پشتوانه‌ی پیروان راستین به حیات خود ادامه داده و در برابر باورهای دیگر مقاومت می‌کردند. چراکه برای پیروان این باورها، سایر ادیان و آیین‌ها بد یمن و ناپاک تلقی می‌شدند. یکی از این باورهای مقدس که در ایران باستان و حتی سایر نقاط جهان پیروانی داشت و با رویکرد اخلاقی توانست قدرت برتر در برهه‌ای از زمان شود، آیین مهر است. آیین مهر از سرچشمه اندیشه‌های فلسفی بیرون آمده و بر بنیاد هیچ نوشته آسمانی استوار نیست. مهر سرچشمه اندیشه‌هایی است که آن اندیشه‌ها را می‌توان به‌نام اندیشه‌های فلسفی ایرانی از سایر اندیشه‌های فلسفی یا دینی سایر نقاط جهان خصوصاً یونان و روم جدا دانست. هرچند بر اساس این اندیشه‌ها، خاستگاه باورهای آیین مهر مانند دیگر اسطوره تخیل است نه تفکر، ولی باید پذیرفت که بخش بزرگی از فلسفه یونان باستان را هم، پندارهایی از همین‌گونه تشکیل می‌دهد. نکته‌ای که ادیان ایرانی و آیین مهر را از سایر ادیان جهان مجزا و برجسته می‌نمایاند و بر فخر پارسیان می‌افزاید، باورمندی تک‌خدایی ایرانیان می‌باشد. در نزد ایرانیان تنها یک خدا وجود داشت و احترام به ایزدان و مینویان و همین عناصر دینی، تنها شکلی از یک رویکرد به سرور دانا بود (مولتون، ۱۳۸۴: ص ۱۸۶). مهر در باور پارسیان نماد روشنایی بود. نمادی که در برابر با معرفت، دانایی، شادمانی، زاینده‌گی، زندگی و باروری بود. همچنین مهر در باور افراد مفاهیم مختلفی داشت. مهر در باور زرتشت، یکی از ایزدان، در باور مانی یک پیامبر، به باور عده‌ای ایزد جنگ و حامی پیمان و به باور عده‌ای دیگر همان عیسی مسیح است. ایزد مهر مظهر جنگاوری، دلیری، شهریاری، درستی، نعمت و برکت بود و توانست در میان همه طبقات اجتماعی ایران بلکه در میان همه طبقات اجتماعی آسیای صغیر و امپراتوری روم هم راه یابد؛ سپاهیان، شهریاران، دهقانان و بردگان پیروش شوند و هر یک بر حسب موقعیت اجتماعی خود بر او و اصولش تکیه کنند. با این حال پرستش مهر، دین برگزیدگان بود و همه نمی‌توانستند از اسرار آن باخبر شوند. لازمه تشریف به اسرار آن تحمل مشقات بسیار و عبور از مراحل و مقامات گوناگون بود.

شناخت ریشه‌های میترائیسم و خاستگاه این اندیشه می‌تواند راهگشای مباحث بین ادیانی باشد. تأثیری که آیین مهر بر سایر ادیان و باورهای رسمی چون زرتشت و مسیحیت داشته، کمتر مورد توجه قرار گرفته و همین عاملی گردیده تا تأثیر این آیین ایرانی بر تمدن بشری کم‌رنگ جلوه کند. اگر بخواهیم درباره نقش آیین مهر در تاریخ ادیان بگوییم، شاید جمله‌ای به اندازه این گفته /رنست

رنان گویای اهمیت و تأثیر این آیین نباشد: «اگر واقعه مهلکی سد راه پیشرفت مسیحیت می‌گردید، دنیا میتراپرستی می‌بود.» (Renan, 1923: 579). هرچند ادیان رازورانه در دیگر نقاط جهان هم وجود داشت، اما میان ادیان و مذاهب سری یا رازآمیز جهان در عهد باستان، هیچ‌یک به اندازه مهر نتوانست همه‌گیر شود. مهر ایزد قدرتمند شاهنشاهی ایران و امپراتوری روم گردید و حتی نگهبان امپراتوری روم لقب یافت و با توجه به تأثیرات این آیین بر ادیان دیگر خصوصاً مسیحیت، تبیین و تحلیل آیین میترا می‌تواند ضمن شناخت دیگر ادیان، نشانی از فرهنگ و تمدن درخشان ایران باشد.

### مهرپرستی چیست؟

مهرپرستی از ادیان قدیمی و از عقاید کهن در ایران باستان بود. در میان طریقت‌های رازورانه، مهرپرستی کهن‌ترین است (Hinnells, 1968: 21). اعتقاد بر این است که میترا خدای نور ازلی و آسمانی توسط آریایی‌ها به ایران آورده شده است. از طرفی گفته می‌شود میترا خدای مقتدر، قهار و جنگاور که یاری‌گر اورمزد در نبرد با اهریمن است، پس از استقرار آریایی‌ها در ایران خودنمایی کرده است. پورد/ود در خصوص آغاز مهرپرستی می‌گوید: «از روزی که نام مردم آریایی در تاریخ جهان یاد گردیده، با نام خداوند نگهبان آنان میترا یاده شده است.» (پورد/ود و گنجی، ۱۳۴۳: ص ۹۲). مهرپرستی نخستین دین ایرانیان بعد از شهرنشینی است که به صورت یک شریعت مدنی درآمد و توانست مرزهای ایران را درنورد و تا غرب گسترش پیدا کند (برقبانی، بهار ۱۳۸۳: ص ۱۳۸).

مهر خدای پیمان است. وظیفه مهم او نظارت بر پیمان‌ها، نظم و راستی است. همچون پیمان میان اورمزد و اهریمن که پیمان آفرینش است و پیمان میان انسان‌ها و یا پیمان میان کشورها. اوست نگهبان پیمان‌ها و با پیمان‌شکن دشمنی می‌کند و به خدای جنگ مبدل می‌شود. مهر با جنگ‌افزارهای خود همچون تیر، تبرزین، نیزه، گرز، خنجر و سوار برگردونه زرین گرد جهان می‌چرخد و با همراهی «بهرام» فرشته پیروزی، «سروش» فرشته فرمانبرداری، «رشن» فرشته دادگری، «ارشتاد» فرشته درستی، «پارند» فرشته نیک‌بختی و فراوانی و «ارت» فرشته توانگری از راستی، نظم و پیمان‌ها پشتیبانی می‌کند (بختورتاش، ۱۳۸۰: ص ۱۷۹)؛ (باقری، ۱۳۸۹: ص ۱۴۹). چون مهرپرستی آیین عملی است مهر نیز در همین دنیا پیمان‌شکنان و دروغگویان را مجازات می‌کند. آنان را پریشان و سرگردان می‌سازد و دودمان‌شان را نابود می‌کند. به‌واسطه مهر، در میدان جنگ تیغ، تیر و نیزه آنان کارگر نمی‌شود و در مقابل دینداران و راست‌کرداران را به پیروزی، سرفرازی، شهریاری و برتری می‌رساند و همین عاملی شد تا پادشاهان به او توجه کنند و در میان طبقه اشراف و جنگجویان بیشتر از دیگر ایزدان مورد ستایش واقع شود. در مهریشت آمده است که:

«کسی که دیوها را سر بکوبد، کسی که نسبت به اشخاص که خودشان را مقصر می‌سازند خشم گیرد، کسی که از مردمان پیمان شکن انتقام کشد ...» (مهریشت، کرده ۷، بند ۲۶).

«اوست که می‌تواند پریشانی و هراس به آنان (دشمنان) مستولی نماید. سرهای مردمانی که به مهر دروغ گویند او (از بدن‌ها) پرتاب کند ...» (مهریشت، کرده ۹، بند ۳۷).

«کسی که گله و رمه بخشد کسی که شهریاری بخشد، کسی که پسران بخشد ... کسی که نعمت راستی بخشد.» (مهریشت، کرده ۱۶، بند ۶۵).

مهر دارنده دشت‌های فراخ و چراگاه‌های خرم، همواره بیدار و زیناوند برای یاری‌دادن به را ستگویان، جنگجویان و نابودی پیمان شکنان و دروغگویان است. مهر از فراز کوه هرا (البرز) به ممالک آریایی می‌نگرد. جایگاه مهر به پهنای کره زمین است؛ مهر در غرب با امتزاج ستاره‌شناسی کلدانی و عقاید ایرانی درباره سرنوشت گسترش پیدا کرد (حامی، ۲۵۳۵: ص ۳۴). آیین مهرپرستی در واقع یک آیین باطنی بود و گرچه ادعای کلیت‌گرایی داشت، اما مختص افراد کمی بود و زنان در آن جایی نداشتند. مهر علاوه بر امور اداری و مسئولیت‌ها توانست به هم‌دلی در میدان جنگ و پادگان‌های سپاهان کمک کند (Ernest, 1955: 357).

با توجه به اینکه نوع اسناد و مدارک آیین میترا در کشورهای مشرق‌زمین با مغرب‌زمین متفاوت است، بررسی و پژوهش نیز با مشکلاتی همراه است. اسناد و مدارک موجود در شرق از نوع مکتوب است و حال آن که در غرب فقط آثار تاریخی و باستانی گویای مبانی آیین میترا می‌باشد (مقدس جعفری و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۲۳۷). با این حال نمادهای مختلف مهر در تصویرهای غرب و نوشته‌های شرق را چگونه می‌توان جمع و به نتیجه‌ای واحد رسید؟ مثل تصویر سگ و مار در صحنه کشتن گاو که بیان شده در حال جنگ هستند و یا اینکه مار نماد شر است؛ در حالی که در صحنه‌ای دیگر مار همراه و ملازم مهر است. یا سگ نماد خیر و کژدم نماد شر است. ماه ذریه گاو را جمع و تصفیه کرد و از آن حیوانات مفید پایدار شدند. روح گاو نیز به آسمان رفت تا از آن بالا مراقب گله‌ها باشد و یا از دیگر نمادهای میترا در شرق ویژگی این ایزد به‌عنوان ایزد نجات‌بخش است. در دوران پارتيان اسطوره‌ای تلفیقی از منجی، نجات‌دهنده و پدیدآورنده جهان مطرح بود که در این اسطوره مهر همچون پهلوانی از میان یک غار به جهان آمده بود. بعدها زمان تولد او با نشانه‌های خاص و تجلی‌های درخشان همراه شد (widengren, 1965: 89). باید گفت تصویرپردازی اساطیری فقط به‌منظور بیان مفاهیم انتزاعی است. به‌عبارتی صحنه‌های گوناگون با تفاسیر مختلف تعبیری از مفاهیم انتزاعی می‌باشد. مثلاً تیراندازی مهر به سنگ و جاری شدن آب

به این معنی است که مهر بخشنده باران است یا صحنه شکار مهر به معنی تعقیب کسانی است که با حقیقت مخالف هستند و یا در حال نابود کردن پیمان شکنان است. اگر بیان شده مهر هزار چشم دارد، بیانگر این عقیده است که هیچ کس نمی تواند خطای خود را از مهر ببوشاند و از عقوبتش بگریزد. از دیگر نمادهای مهر در ایران حلقه مهر و دیهیم است که علامت و رمز تأیید و قدرت پیروزی است. همچنین نماد مهر به صورت شیر بالدار در بیشتر کتیبه‌ها به مفهوم حافظ و نگهبان سرزمین ایران است.

### مهر در باور هندیان

در تصور هندیان کهن میترا و وارونا مظاهر شهریاری و فرمانروایی هستند و هر دو مکمل یکدیگرند. وارونا خدایی تشویش‌انگیز و دهشتناک و صاحب قدرت و میترا خدایی آرام‌بخش، نیکخواه، پشتیبان اعمال و مناسبات شرافتمندانه، قانونی و دشمن خشونت و تندی است (دومزیل و همکاران، ۱۳۹۱: ص ۷). در ریگ‌ودا میترا به معنی دوستی و همکاری به کار رفته؛ اما نه همکاری و دوستی متقابل. بدین معنی که هر گاه انسان‌ها یا خدایان بخواهند کاری انجام دهند و در فعالیتی با یکدیگر همکاری داشته باشند، ریگ‌ودا از این نوع همکاری با کلمه sakhi یاد می‌کند؛ اما خدایی که به بهترین وجه این امکان را برای همکاری فراهم می‌سازد، صفت Mitra دارد به معنی دوست و متحدی که برای او اندیشه برابر و همکاری لزوماً به معنای توقع همکاری و دوستی متقابل از ایشان نیست. همچنین از میترای ودایی مفهوم نگهبانی پرستندگان برای حفظ دوستی خود او هم برداشت می‌شود که با این وجود نگهبان، پاسدار و پشتیبان بهترین ترجمه برای واژه Mitra به حساب می‌آید (بالاتو و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۷۸).

میترا در آثار هندوها نام یکی از ده آتش و نام یکی از اپ-سرها (Ap-sara) که دسته‌ای از فرشتگان مؤنث آسمانی هستند، می‌باشد (جلالی نائینی، ۱۳۸۵: ص ۱۴۸). در ریگ‌ودا جز در یکی دو مورد آن هم به اختصار از میترا یاد نشده است. زیرا میترا و وارونا ملازم یکدیگر بوده و نامشان با هم آمده است (مشکور، ۲۵۳۵: ص ۱۷). مراسم عبادت میترا و وارونا نیز در بین آریایی‌های ودایی با هم بوده است. قرار گرفتن وارونا و میترا در کنار هم در ریگ‌ودا، آنها را به صورت یک قدرت واحد معرفی کرده است: «بین دعای ما را «وارونا» و «میترا» و «ادیتی» و «سندهو» و «زمین» و «آسمان» قبول فرمایند.» (ریگ‌ودا، ماندالای اول، سرود ۹۸). به نظر می‌رسد بین آیین کهن ایرانیان و هندوان پیوندهای فکری وجود داشته که متعلق به زمانی پیش از مهاجرت اقوام هنداروپایی بوده است (کالج، ۲۵۳۷: ص ۸۷).

### نام مهر در اوستا

جایگاه مهر در کتاب مقدس او ستا همچون وداها از اعتبار خاصی برخوردار است. همانند ودا که سرودهای ویژه مهر دارد، اوستا نیز یک بخش را به مهر اختصاص داده است. یشت دهم مشتمل بر ۱۴۶ بند به نام اوست. مهر خدای زندگی بخش، کسی که فرزندان ذکور می بخشد، نیرومند و دانا، کسی که گیاهان را می رویند و نازل کننده باران است، معرفی شده است. در یشت دهم میترا یک خدای اخلاقی است. او حرمت پیمانها حتی پیمان با دشمنان را حفظ می کند. وجود ایزد مهر به عنوان خدای اصلی در ایران نشان از تأکید و ارج نهادن ایرانیان به حقیقت است (مولتون، ۱۳۸۴: ص ۱۴۰). در او ستا واژه میثره (Mithra) به معنای پیمان شفاهی است و با توجه به نقش کهن میترا در اتحاد و پیمان و واژه یونانی میتره به معنای کمر بند فلزی محافظ و نشانه‌ی پادشاه، می توان کلمه میثره را به مفهوم گسترده، پیمان تعهدآور ترجمه کرد (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ص ۱۵).

در مهریشت صفت‌های ایزد مهر، کارهایی که انجام می دهد و اقداماتی که برای ستاینندگان خود انجام می دهد، بیان شده است. همچنین از مهر به عنوان ایزد پیمان و راستی، ایزد جنگ و یاور جنگاوران یاد شده است (مقدم، ۱۳۸۸: ص ۱۷). ایزد مهر در مهریشت علاوه بر مظهر جنگاوری، دلیری، شهرباری، دوستی، نعمت و برکت به صورت مظهر سه گانه پرستاری، پهلوانی و واستربوشی (= کشت و دامداری) نیز در آمد (بهار، ۱۳۹۵: ص ۳۰). مهریشت سرچشمه را ستگویی و پهلوانی ایرانیان است. صفاتی که از چشم یونانیان، دشمنان دیرین هم پوشیده نبود. از کاربرد کلمه میثرودروگ (Mithro.Drug) به معنای دروغگوینده به مهر و میثروزیه (Mithro-zga) به معنی زیان رسان به مهر در بخش‌های مختلف او ستا برای کسی که پیمان می شکند و فرشته نگهبان خود را آزرده می سازد، مفهوم کلمه میترا محافظ و پاسبان عهد و پیمان برداشت می شود (پورداد، ۱۳۹۴: ص ۶۳).

«دارنده‌ی دشت‌های فراخ» صفتی است که در آغاز کرده‌های مهریشت به ایزد مهر داده شده و در زبان اوستایی به صورت «وارو گیویه‌ایتی» (Vouru gaoyaoiti) آمده است. این عبارت نشان از زندگی متکی بر دامداری و گله‌داری می باشد که شغل اقوام هندوایرانی هنگام کوچ‌نشینی به سمت سرزمین‌های جدید شان بوده است (قائمی، ۱۳۹۱: ص ۱۳۲). «مهر را می ستائیم (کسی) که دارای دشت‌های پهن است (کسی) که از کلام راستین آگاه است. زیان‌آوری که دارای هزار گوش است ... کسی که دست‌های (بازوان) بسیار بلندش پیمان شکن را گرفتار سازد. او را بگیرد اگرچه او در

مشرق هندوستان باشد. او را برافکند اگر او در مغرب باشد. اگر هم او در دهنه (رود) ارنگ باشد. اگر هم او در مرکز این زمین باشد.» (مهریشت، کرده ۲۷. بند ۱۰۴).

مقام میتر در اوستا چنان عظیم است که در مهریشت اهورمزدا سروری و نگهبانی مردم را به او می سپارد (آشتیانی، ۱۳۸۱: ص ۴۲). یکی از ویژگی‌های مشترک بین میترا و ستایی و ریگ‌ودا این است که هر دوی آنها با روابط بین انسان‌ها سروکار دارند (اکتر شروو، ۱۳۹۲: ص ۱۰۶). مهر در اوستا همچنین ایزد فروغ و روشنایی است و غالباً نام او همراه با نام انوار آسمانی یعنی ستارگان، ماه و خورشید آورده می‌شود (شریفیان و غفوری، ۱۳۸۷: ص ۱۴۰).

یکی دیگر از جلوه‌های مهر برقراری نظم، در حد بسیار گسترده است. نظمی که موجب پیدایش شب، روز، ماه و سال می‌شود و از آن با نام نظم کیهانی تعبیر می‌کنند (بیانی، بی‌تا: ص ۴۳). احترام زیادی که در مهریشت نسبت به ایزد مهر به چشم می‌خورد، حاکی از این مطلب است که آیین مهر قبل از ظهور زرتشت و نیز هم‌زمان وی میان عموم مردم محبوبیت داشته و در آیین زرتشت از احترام ویژه برخوردار بوده است. «من مهر دارنده دشت‌های فراخ را بیافریدم. او را در شایسته ستایش بودن مساوی، در سزاوار نیایش بودن مساوی با خود من که اهورمزدا (هستم) بیافریدم.» (مهریشت، کرده ۱، بند ۱). در عین حال زرتشت برای کاستن محبوبیت مهر در بین مردم، رسم خون ریختن، قربانی کردن گاو و نوشیدن شراب هوما را ممنوع ساخت.

#### مهرپرستی هخامنشیان

پرستش میترا در دوران هخامنشیان از ابتدای حکومت کوروش توسط مردم جاری بوده است. چنانکه طبق گفته گزنفون، کوروش میترا را مورد ستایش قرار می‌داد و کنتر یاس نیز در باره قربانی‌هایی که شاهان هخامنشی برای تجلیل و تکریم میترا انجام می‌دادند، سخن گفته است. پرستش میترا چه در دوران شاهان نخستین و چه در دوران شاهان متأخر هخامنشی با شدت و ضعف وجود داشته و علت آن نفوذ شدید عقاید ایرانیان است که از زمان‌های دور توجه خاصی به این خدایان خصوصاً مهر داشته‌اند. از نشانه‌های مهم بزرگداشت مهر در این دوره قربانی اسب در اطراف مقبره کوروش است؛ چراکه قربانی در سنت ایرانی با آیین میترا پیوندی ناگسستنی دارد (بریان، ۱۳۸۲، ج ۱: ص ۲۳۴). هخامنشیان فقط اهورامزدا را مورد ستایش قرار نمی‌دادند و کتیبه‌های آنان فقط درباره او سخن نمی‌گویند. بلکه اهورامزدا را بزرگ‌ترین خدایان می‌دانند. مهر مرکز ثقل اساطیر ایران بود و در میان مردم شهرت داشت. پس شاهان هخامنشی نمی‌توانستند عبادت او را منع کنند. هرچند در زمان حکومت کوتاه خشایارشا مذهب میترا و سایر خدایانی که مطرود زرتشت

بودند، منع شد و معابد آنها ویران گردید؛ ولی این اقدام مؤثر نیامد و پرستش مهر همچنان ادامه داشت. هخامنشیان نسبت به مذاهب دیگر خوش رفتاری می کردند. آنها به جز موارد استثنائی معابد ادیان دیگر را تخریب نمی کردند. خوش رفتاری و تحمل مذاهب و ادیان بیگانه یکی از اصول مهم پادشاهان هخامنشی بود (داندامایف، ۱۳۸۶: صص ۳۱۹ و ۳۲۰).

بردهای ایرانی به نام اوفرآتس (Euphrates) که مورد غضب ارباب خود قرار می گیرد، چنین می گوید: «مرا مسوزان ای فیلونیموس، آتش را از برخورد تن من میلای، من پارسیم نیاکانم نیز پارسی بودند و گناه آلودن آتش به نزد ما گران تر از مرگ است. مرا به خاک بسپار مولایم، ولی بر تنم آب تظہیر میفشان، چون من آبها را نیز گرامی می دارم.» (بنونیست، ۱۳۹۳: ص ۲۲).

بنابراین دین هخامنشیان هم با آیین مغان و هم با کیش زرتشت مغایرت دارد. اما با باورهای باستانی مربوط به پرستش عناصر طبیعت خصوصاً آیین مهر هماهنگی دارد. علاوه بر ذکر نام مهر در کتیبه های هخامنشی، غارهای میتراپی نیز بر بناهای هخامنشیان خودنمایی می کند. ورودی دروازه خشایارشا در تخت جمشید تصویر و تندیس گاوهای ریش دار و بالدار با سر انسانی که همگی نماد مهر هستند، نقش بسته است. پیروان مهر معتقد به حیات بعد از مرگ بودند و تصوراتشان را در قالب موجودات بالدار به نمایش می گذاشتند. همچنین صلیب مهری بر روی بنای آرامگاه داریوش کبیر در نقش رستم و نمای ورودی آرامگاه در دل کوه به شکل صلیب از دیگر جلوه های مهرپرستی هخامنشیان می باشد (صمدی، ۱۳۶۷: ص ۳۱). بر دیوار پلکان شرقی کاخ آپادانا نقش برجسته ای از نبرد شیر با گاو وجود دارد که نمادی از مهرپرستی می باشد. حمله شیر به گاو نر که هر دو فره ایزدی هستند، برگرفته از باور دینی قربانی شدن گاو است. در این اسطوره قربانی شدن، گاو موجب حیات، شادی و نماد حیات و زندگانی ایرانیان و شیر نماد مهر داور و نگهبان ایران زمین است. از دیگر نمادهای مهری در دوره هخامنشیان که دلالت بر پرستش و ستایش مهر در بین مردم دارد، جشن قربانی است که در ماه باستانی باگیادیش (bagayada) ماه قربانی برگزار می شد. با توجه به وجه تسمیه бага که به مهر تعلق داشت، قربانی های این ماه نیز برای ایزد مهر بوده است (داندامایف، ۱۳۸۶: ص ۲۰۲).

### پرستش مهر در دوره اشکانی

اشکانیان همچون پیشینیان خود در امور مذهبی سخت گیر نبوده و کیش واحد دولتی در میان مذاهب متعدد در کشوری که از اقوام و نژادهای گوناگون در آن زندگی می کردند، وجود نداشته است. در میان خدایانی که در بین پارتیان ستایش می شد، میترا و آناهیتا در کنار اهورامزدا از جایگاه



برتری برخوردار بودند. در این دوره مهر گاهی با نام سامی بآل (Baal)، آرتسو (Artsu) و آفلاد (Aflad) خوانده می‌شد. گاهی با نام یونانی زئوس (Zeus) و گاهی نیز در بین یونانیان و مقدونیان ساکن ایران میترا پارتی و آپولون توأم بوده است (دیاکونف، ۱۳۵۱: ص ۱۱۸). گرچه گرایش به مهرپرستی در بین پارتیان وجود داشت؛ اما در اواخر این دوره شاهانی همچون بلاش به حمایت از زرتشت برخاسته و اقدام به جمع‌آوری او ستا نمودند (عبداللهی، ۱۳۶۹: ص ۲۲۱). شاهان هخامنشی پایبند اصلی بودند تا به تلاش‌های عمرانی و تولیدی کشور وسیع خود آسیبی نرسد. لذا به ساتراپ‌ها و حکمرانان مناطق تفویض قدرت کرده تا در جهت پیشرفت سرزمین خود تلاش کنند. نمونه بارز این واگذاری نقش برجسته شوش می‌باشد (ملکزاده بیانی، ۲۵۳۷: ص ۳۰۹). بنابراین پرستش خدایان متعدد از جمله مهر در مناطق مختلف بنا بر سیاست پارتیان در جهت اداره کشور قابل مشاهده می‌باشد. بارزاپران (Barzapharanes) ساتراپ پارتی به خورشید، خدایان و فرشتگان زمین و آسمان سوگند می‌خورد. بلاش نگاره خورشید و ماه را به پای داشت و اردوان سوم ماه و خورشید را مورد ستایش قرار داد (خدادادیان، ۲۵۳۷: ص ۳۰۹). از ارتباط تنگاتنگ، نزدیک و رابطه خویشاوندی پارتیان با آرامنه چنین برداشت می‌شود که ستایش خورشید، ماه و ناهید که در دوران اشکانیان رایج بوده با مهرپرستی، ماه‌ستایی و پرستش ناهید در بین مردمان ارمنستان بی‌ارتباط نبوده است. مورخان قدیم ارمنستان نام معابدی که دارای سه مذبح مختص اهورامزدا، مهر و ناهید بوده را ذکر کرده‌اند که جبران عدم مدارک متونی در ایران را مبنی بر مهرپرستی پارتیان می‌نماید (گیرشمن، ۱۳۷۲: ص ۳۱۹). علاوه بر دلایل ذکر شده در خصوص مذهب پارتیان ظاهراً پرستش اهورامزدا، آناهیتا و میترا به‌عنوان مذهبی محبوب و فراگیر در این دوره رایج بوده است. این موضوع با انتشار سکه‌های کوشان‌ها با القاب ایرانی و تصویر میترا بر روی آنها قابل مشاهده است. مؤسس سلسله کوشان‌ها کوجولوکادفیز (kujula kadphises) سکه مسی را به‌عنوان واحدی برای مسکوکات در آسیای میانه، افغانستان و هند انتخاب نمود که نقش میترا بر روی آن و شاه با کلاه فریجی در پشت آن نقش بسته بود (بالاتو و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۵۲).

بعد از گسترش آیین مهر در غرب میان شیوه‌های میتراپرستی رومی با مهرپرستی پارتی تفاوت‌هایی وجود داشت؛ اما میتراپرستان رومی میترا را ایزدی پارتی و مغان ایرانی را مردانی مقدس می‌شمردند. حتی پارسیان و پارتیان سپاه روم، آزادانه به تبلیغ درباره ملیت و آیین خود می‌پرداختند و این حاکی از مشترک بودن پرستش میترا در بین پارتیان و رومیان می‌باشد (بیات، ۱۳۶۵: ص ۳۳).

### ساسانیان و مهرپرستی

در دوران ساسانیان با پیدایش سنت‌ها و ادیان گوناگون هر یک توانستند طی دوران حیات اجتماعی خود پیروانی جذب نمایند. از جمله دین زرتشت که در آغاز دوره ساسانی، روحانیون و افرادی به کیش اورمزد درآمدند. در حالی که هنوز ساسانیان، ایزد ناهید را ستایش می‌کردند. همچنین کسانی نیز پیرو ایزد مهر بودند و جالب آنکه هر یک از این پیروان بر اهمیت ایزدان خود تأکید می‌کردند. با رسمی شدن کیش زرتشت، بودند مردمان و شاهانی که هنوز مهر را نیایش می‌کردند. ایزدان سلسله هخامنشی یعنی اورمزد، میترا و ناهید در دوره ساسانی نیز وجود داشتند (تاق بستان) و این دال بر استمرار نظام عقیدتی ایرانی است. در تاق بستان، کتیبه‌هایی از اردشیر دوم، شاپور دوم و سوم و خسرو دوم نقش بسته است. در یکی از آنها خسرو پرویز در حال دریافت حلقه فره ایزدی می‌باشد و در نقش برجسته دیگر، تصویر تاجگذاری اردشیر دوم در حالی که با اهورامزدا که حلقه فره ایزدی را به او می‌دهد، بر روی دشمن به خاک افتاده، ایستاده‌اند. در سمت چپ اردشیر، تصویر میترا همراه با انواری همچون اشعه خورشید دیده می‌شود که شاخه‌ای از برسم در دست گرفته و بر روی گل نیلوفر ایستاده است. در گزارشی یونانی آمده است در دوره ساسانیان، شاهنشاه تاجی به شکل خورشید بر سر می‌گذاشت، به میگزساری می‌پرداخت و به همگان نشان می‌داد که او میترای روی زمین است (زیر، ۱۳۷۵: صص ۱۰۶-۱۰۲).

بنابر منابع ارمنی شاهان ایران خورشید و ماه را می‌پرستیده‌اند. «شاپور (سلطنت ۳۰۹ تا ۳۷۹ میلادی) دلیر مزدیسمن و همنشین آفتاب، شاه شاهان به تیران پادشاه عزیز ارمن که با حسن نیت ما یاد شده است، درود فراوان می‌فرستد. ما دقیقاً ناظریم که تو علاقه‌ات را نسبت به ما مستحکم نگهداشتی و ... ما به پادشاهی تو هیچ‌گونه آسیبی نخواهیم رساند و به مهر خدای بزرگ قسم یاد می‌کنیم، تنها برای مشاوره در مورد منافع مشترک شتابان به دیدار ما بیا.» (خورنی، ۱۳۸۰: ص ۲۳۱). همچنین شاپور دوم مدعی بوده که «برادر خورشید و ماه» (Frater solis et lunae) است (دریایی، ۱۳۹۴: ص ۷۸).

در دوره ساسانیان دین زرتشت با اعتقاد به نیروهای دوگانه خیر و شر در حالی دین رسمی و دولتی شد که تمامی افکار و عقاید گذشته را منسوخ کرده بود. کرتیر به جهت پایان دادن به تفرقه دینی در کشور و در جهت احیای وحدت و یکپارچگی جامعه ایرانی، مبارزه‌ی گسترده و سرکوب گرانه‌ای را بر علیه آیین‌های دیگر رایج در ایران شروع کرد. او به بهانه از میان برداشتن ارتداد در

آیین زرتشت با شدت و خشونت تمام مبارزه علیه میتراپرستی را شروع کرد (لوکونین، ۱۳۵۰: ص ۱۵۸).

### تولد میترا

هرچند نمی‌توان تاریخ دقیقی از تولد میترا بدست آورد، اما از آثار به جا مانده‌ی کهن و نقش‌برجسته‌ها می‌توان به چگونگی تولد میترا پی برد. به عقیده برخی پژوهشگران کشف آتش با افسانه تولد میترا این‌گونه در پیوند است:

فروغی پدید آمد از هر دو سنگ \*\*\*\* دل سنگ گشت از فروغ آذرنگ  
نشد مار کشته ولیکن ز راز \*\*\*\* ازین طبع سنگ آتش آمد فراز

(شاهنامه، ج ۱، ص ۳۴).

پندار مهربان ایران بر این بود که بغ مهر در کوه البرز، از فروغ مهر زاییده شد. چون از برخورد دو سنگ آذری به هم آذرخش می‌جهد. میترا هنگام تولد عریان و کلاه فریجی بر سر دارد و در دستش خنجر و مشعلی است. بنا به نظر اینان میترا زاییده رو شنایی است (دانای علمی، ۱۳۹۱: ص ۲۳). بر اساس روایات رومی، نیروی درونی و سحرآمیز، میترا را بسان آذرخشی که در آسمان می‌شکفت، از درون صخره‌ای به جهان خارج هدایت می‌کند. ایرانیان باستان آسمان را سنگی می‌دانستند. بنابراین زاده شدن از صخره به معنای زایش از آسمان کیهان نیز می‌باشد (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ص ۱۱۴). میترا هنگام تولد عریان است و تنها کلاه فریجی بر سر دارد. او از بدو تولد فرمانروای کیهان است و تجلی نور همراه او می‌باشد (اولانسی، ۱۳۸۷: ص ۲۱). در تعبیری دیگر هنگام تولد میترا دو همراه او یعنی کوتس (Kotes) و کوتوپاتس (Kotopates) حضور داشتند که آن دو جلوه‌ای از طلوع و غروب خورشیدند. از شاهدان دیگر تولد میترا، کلئوس (Klueus) و اوشنوس (Oceanus) ایزد سرچشمه‌ها هستند که وظیفه‌ی جهان‌آفرینی را تدارک می‌دیدند.

بعد از تولد میترا، ساتورن (Saturn) به او خنجری می‌دهد تا عمل کیهان‌زایانه یعنی کشتن گاو را انجام دهد (گیمن، ۱۳۷۵: ص ۳۱۷). زایش مهر حادثه‌ای کیهانی است (ورمازن، ۱۳۹۳: ص ۹۵). نمادهای همراه او یعنی کره‌ای که نماد فرمانروایی کیهانی اوست، خنجری که با آن گاوی را می‌کشد و موجب باروری و زاینده‌گی می‌شود، مشعلی که رمز فروغ‌بخشی اوست، همگی معجزه‌تکوین و رویش دوباره را بیان می‌کنند. فرگوسن معتقد است زاییده شدن میترا از سنگ نشانه برآمدن آفتاب از پس کوه‌هاست (Ferguson, 1985, 47). چنانکه در صحنه نقاشی دوراوپوس نیز نمایان است. همچنین در مهریشت نیز بر آن تأکید شده است: «نخستین ایزد مینوی که پیش از

خورشید فناپذیر تیزاسب در بالای کوه هرا برآید، نخستین کسی که با زینت‌های زرین آراسته از فراز کوه زیبا سر بدر آورد، از آنجا آن مهر بسیار توانا تمام منزلگاهان آریایی را بنگرد.» (مهریشت، کرده ۴، بند ۱۳). ورمازرن درباره تولد مهر می‌نویسد: «این زایش سرشتی معجزه‌آسا داشت، گویی مهر جوان با یک نیروی جادویی نهانی ناچار به بیرون پریدن از سنگ شده است. او به شکل برهنه نجات‌یافته‌ای نشان داده می‌شود که کلاهی فریگی بر سر و در یک دست دشنه و در دست دیگر مشعلی را رو به بالا گرفته است. او زاییده و هستی‌بخش نوین روشنایی، زاییده از صخره، از صخره‌ای زاینده است.» (Vermaseren, 1963: 75).

مهر با شمایل انسانی در سال ۲۴۷ ق.م. در بیست و پنج سالگی به پیامبری مبعوث می‌شود و مدت چهل سال مردم را به آیین خود فرامی‌خواند. کومون معتقد است در سال ۱۴۵۴ رصد زرتشت، ۶۵ سال پس از اسکندر و در سال ۵۱ اشکانی، پنجمین روز بهار به آن‌ها نوبت بارداری می‌رسد و پس از ۲۵۷ روز، شب یکشنبه ۲۵ دسامبر میترا به دنیا می‌آید (کومون، ۱۳۸۶: ص ۱۹).

طبری در تاریخ خود می‌نویسد: «به پندار پارسیان ۶۵ سال پس از تسلط اسکندر بر سرزمین بابل، ۵۱ سال پس از آغاز شاهی اشکانی، مریم دختر عمران، عیسی پسر مریم (ع) را بزاد. ولی به پندار نصاری، تولد عیسی ۳۰۳ سال پس از تسلط اسکندر بود.» (طبری، ۱۳۵۲: ص ۵۰۱). بنا به نوشته طبری مهر و مسیح در نظر پارسیان یکی بودند؛ چراکه تاریخ مدنظر پارسیان زمان تولد مهر از آن‌ها نیتا است. مسعودی نیز می‌نویسد: «مطابق تاریخ نصارای ملکانی و دیگر فرقه‌های نصارا از تولد مسیح تا وقت حاضر یعنی سال ۳۳۲، نهصد و چهل سال است و سال‌های اسکندر هزار و دو بیست و هشتاد و پنج سال و از اسکندر تا مسیح ۳۶۹ سال است.» (مسعودی، ۱۳۴۴: ص ۵۵۲). از نوشته‌های طبری و مسعودی چنین برداشت می‌شود: مسیح که در سال پنجاه و یکم پادشاهی اشکانیان زاده شده، با مسیحی که در ۳۶۹ سال پس از تاخت اسکندر در بابل متولد شده، دو شخص هستند. مسیح اول مهر و دیگری ایشوع ناصری است.

#### میترا خدای خورشید

توجه خاص پادشاهان ایران باستان به مهر و تصور فتح و پیروزی‌ها به واسطه عنایت مهر، باعث گردید ستایش ایزد مهر سراسر ایران را فراگیر شده و در همه‌جا از او یاری خواسته شود. ایزد مهر نور محض است و زندگی وابسته به این نور است. اینچنین عظمتی مرمان را بر آن داشت که به پرستش او روی آورند. گسترش نفوذ مهر نه تنها ایران، بلکه به تمامی ممالک تحت استیلای شاهان ایران هم رسید. شباهت مهر با ایزد خورشید یکی از عوامل پذیرش این ایزد در ممالک

دوردست گردید و آن را خدای خورشید نامیدند. در کتیبه‌ها میترا به‌عنوان (Sol invictus). آفتاب ناپدید شده) توصیف شده است. ولی سل و میترا خدایان مختلف بودند (Clauss, 2000: 147). اما سؤال اینجاست که آیا می‌توان میترا را همان خدای خورشید (شمش) از خدایان بابلی دانست یا نه و آیا ایزد آریایی میترا که در پیمان بغازکوی پیدا شده همان خدای خورشید است؟

برای انسان‌های اولیه خورشید پدیده‌ای جذاب، خیال‌انگیز و شگفت‌آور بود. این گوی آتشین هر بامداد در برابر انسان‌ها ظاهر می‌شد و دوباره فرومی‌نشست و با گرما و روشنی خود منشاء زندگانی، خیر و نعمت محسوب می‌شد. در دینکرد تأکید شده کسانی که در مقابل خورشید با عقل و درایت رفتار می‌کنند، نور خورشید باعث افزایش دانایی آنان و در مقابل نگاه زیاد به خورشید که باعث بیماری چشم می‌شود (دینکرد چهارم، بند ۶۳). چراکه ایرانیان پیوسته اعتدال را ستوده‌اند و افراط و تفریط را نکوهیده‌اند (دینکرد چهارم، بند ۱۰۷).

در مهریشت که سرود مخصوص مهر است، تو صیف زیبایی از او می‌شود. همراهی مهر با خورشید از مشرق به مغرب و فروآمدن او پس از رفتن خورشید به زمین و نظارت بر پیمان‌ها باعث شده است که مهر خدای همیشه بیدار و کسی که هرگز خواب به چشمش نمی‌آید، عامل زایش این تصور شود که آن دو یکی هستند (آموزگار، ۱۳۹۱: ص ۲۱). برخلاف آثار هندویی که میترا در شکل و هیأت خداوند خورشید کمتر ظاهر شده است، در میان ارباب انواع هندو، آفتاب به اشکال مختلفی معرفی می‌شود که معروف‌ترین آنها سوری (Surya) یا سویتری (Savitri) می‌باشد (رضی، ۱۳۵۹: ص ۷). همچنین از نظر مهرپرستان هنگام پایان مأموریت میترا بر روی زمین و بازگشتش به آسمان، در ضیافتی به همراه خورشید و یارانش شرکت می‌کند. او درحالی که بر گردونه خورشید سوار است، عروج می‌کند و از عالم بالا روح انسان‌ها را تا طبقه هشتم که پایگاه نور و آرامش است، هدایت می‌کند (صفا، ۱۳۵۵: ص ۲۴). در کارنامه اردشیر بابکان نیز مهر به معنای خورشید به‌کار رفته است. آنجا که اخترشماران هنگام فرار اردشیر از اردوی اردوان به او می‌گویند خدای میان آسمان (برج جدی) زیر درخشندگی مهر است (فره‌وشی، ۱۳۹۰: ص ۳۷).

در اوستا خورشید را هور یا خور (Hvare) و خدای خورشید را هورخششتا (Hvare kheshaeta) می‌نامند که کم‌کم به هور شید و خور شید مبدل شد. رابطه نزدیک خور شید و میترا باعث تداخل مفهوم آنها شده. میترا تجسم فروغ و روشنایی آسمان است و خورشید چراغ آسمان، به همین دلیل میترا را انوار خور شید نامیده‌اند (آشتیانی، ۱۳۸۱: ص ۴۰). خور شید با میترا در اوستا و ریگ‌ودا نیز در ارتباط است. در ریگ‌ودا خور شید چشم میترا و واروناست و به وسیله آنها بر انسان‌ها نظارت

دارد. در اوستا میترا در سپیده‌دم، پیش از طلوع خورشید و از چکاد کوه‌ها بر سرزمین ایرانیان می‌تازد و بر اعمال آنان نظارت دارد (اکتر شروو، ۱۳۹۲: ص ۱۰۷).

خدای بابلی شمش (Shamash) یا خدای آفتاب و سین (Sin) خدای ماه با ایزدان میترا و وارونا در ریگ‌ودا در نگاه اول دارای وجه تشابه می‌باشند (رضی، ۱۳۵۹: ص ۴۸)؛ اما باید در نظر داشت که میتر به هیچ‌وجه خدای خورشید نیست بلکه پرتو و نور آن است، چنانکه که در اوستا و وداها نیز میتر خدای خورشید نیست. بنابر اوستا ایزد مهر در گردونه‌ای که با چهار اسب کشیده می‌شود، پیش از خورشید به سرزمین آریایی‌ها می‌تازد و آسمان را درمی‌نورد. دارنده هزار چشم و ده هزار گوش و ایزد انوار آفتاب است (رضی، ۱۳۸۲: ص ۲۷۱). با ورود مزدایرستی ایرانی به بابل، خدایان هر دو آیین مزدایرستی و کلدانی یکی شدند. اهورامزدا با بعل، آناهیتا با ایشتر و میترا با شمش خدای خورشید همگون شدند و به همین دلیل میترا در آیین رومی، خورشید شکست‌ناپذیر خوانده شد (کومون، ۱۳۸۸: ص ۱۵۲). مهر خدای خورشید نیست. پرتو رو شنایی در سپیده‌دمان است. در مهریشت سروده ویژه ایزد مهر به صراحت بیان می‌شود که مهر خورشید نیست: «نخستین ایزد مینوی که پیش از خورشید فناپذیر تیز اسب در بالای کوه هرا برآید...» (مهریشت، کرده ۴، بند ۱۳). علاوه بر مهریشت در قسمت‌های دیگر اوستا نیز میان مهر و خورشید تفاوت به چشم می‌خورد. در وندیداد فرگرد ۱۹ فقره ۲۸ از پدیدار شدن مهر و به درآمدن خورشید سخن به میان آمده است. همچنین در فصل ۵۳ کتاب مینوخرود و در فصل ۳، فقره ۴۷ بهمن‌یشت، از مهر و خورشید در کنار هم یاد شده است (پورداود، ۲۵۳۶، ج ۱: ص ۴۰۵).

چنانکه در خورشیدیشت نیایش بین مهر و خورشید با هم آمده است. همچنین با گسترش مهرپرستی در مغرب زمین و نامیدن مهر به خورشید شکست‌ناپذیر این دو مفهوم در یک معنا به کار برده شد (باقری، ۱۳۹۱: ص ۱۳۵). «من می‌ستایم مهر دشت‌های فراخ و هزار گوش و ده هزار چشم دارنده را من می‌ستایم آن گریزی که از مهر دارنده دشت‌های فراخ بسر دیوها خوب نواخته گردد. من می‌ستایم دوستی را آن بهترین دوستی که در میان ماه و خور موجود است» (خورشیدیشت، بند ۵).

اما در خصوص اینکه میترای ذکر شده در سند بغازکوی همان خدای خورشید است، آرتور اونگنات (ArturUngnad) با ریشه‌یابی لغات تمایز خدای خورشید و میترا را بیان کرده است. واژه Mi-it-ra به‌عنوان خدای خورشید نمی‌تواند از واژه Mi-it-ra میتانی در هزاره دوم قبل از میلاد متأثر شده باشد. بلکه از ایزدی ایرانی (مادی) متأثر شده که از لحاظ زبانی در آغاز هزاره نخست

قبل از میلاد مطرح شده است (بالاتو و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۶۶). قبل از کشف پیمان بغازکوی با استفاده از کلمه Mtrsm، آریاگرایی میتانی‌ها و پذیرش ایزد آریایی پیمان یعنی میترا از سوی میتانی‌ها به اثبات رسیده بود که با کشف پیمان بغازکوی جای هیچ شک‌کی باقی نماند که منظور از mtr همان ایزد میترا بوده است (بالاتو و همکاران، ۱۳۸۵: ص ۳۶۴). درباره وجود میترا در میتانی می‌توان به نام Mi-it-ra در اوگاریت هم اشاره کرد. همچنانکه به مشتقات این کلمه در نام‌های ایرانی و لوحه‌های گلی پرسپولیس همچون Mi-ut-ra هم می‌توان استناد کرد (همان: ص ۳۶۲). در نهایت باید گفت مهر به هر کجا رفت، با خدای محلی خورشید هماهنگ شده و مورد توجه قرار گرفت بدون آن که اساس آریایی خود را از دست بدهد. هریک از این ملت‌ها رسم و عادت‌های خود را به مهر داده تا با باور آنها یکی شود و بدین شکل روز به روز بر وسعت خاک مهر افزوده گردید.

#### شعائر میتراپرستیم

صحبت از عبادات، اعتقادات و شعائر آیین میترا به دلیل فقدان منابع اطلاعاتی مشکل و از جمله دلایل این کمبود نیز جنبه سری و رازورزی این آیین است. با این حال می‌توان از نقوش و اشکال معابدشان به جنبه سری و باطنی تعلیمات دینی آنها پی برد. آیین مهر آیین اسرار است و اسرار آن با پافشاری و اصرار حفظ می‌شد و تنها برای عده‌ای خاص از مهربانان که توانایی طی طریق و صعود به درجات عالی را داشتند کشف می‌شد. همچنین سربازان و ارتشیان اکثریت مهرپرستان را تشکیل می‌دادند. چراکه عقیده داشتند مهر در میدان جنگ از آنان حمایت خواهد کرد و آنان همواره مورد حمایت او قرار خواهند گرفت و همچنانکه نظامی‌گری از امور مردانه است، آیین مهری نیز مردانه و زنان در آن جایگاهی ندارند و تشریف زنان به این آیین و شرکت آنها در مراسم مذهبی در آثار آنها مشاهده نمی‌شود. ضمن آنکه ورود مردان نیز به مهرپرستی امری دشوار و لازمه آن پشت سر گذاشتن آزمایش‌های سخت و مراحل گوناگون بوده است (شین‌پرتو، ۱۳۵۰: ص ۱۶).

آیین مهر که هم بر سنت تکیه دارد و هم تشریف به اسرار در آن حائز اهمیت است، توانسته در طی زمان، ظاهر و باطن خود را حفظ کرده و به‌عنوان یک آیین تقریباً دست‌نخورده باقی بماند. تشریف به اسرار از ارکان آیین مهر بود و معرفت و شناخت این اسرار همراه با آموزش تدریجی توسط کسانی که قبلاً به این اسرار مشرف شده‌اند، به نورسیدگان و مبتدیان آموزش داده می‌شد (نادرزاد، ۱۳۷۶: ص ۱۳۶).

آموزه‌های مهرپرستی پیش از راهیابی به غرب به شدت با نجوم و ستاره‌شناسی کلدانی درآمیخته شد. مهرپرستان به تأثیر ستارگان سعد و نحس بر سرنوشت انسان معتقد بودند (کبری، ۱۳۸۶: ص ۳۵۹). از دیگر عقاید مهرپرستان ایمان وافر و راسخ به بقای روح بود. آنها ارواح مردگان را ناظر بر اعمال خود می‌دانستند. پس به انجام اعمال و کردار نیک مبادرت می‌ورزیدند تا روحشان جاودانه گردد و در واپسین روز جزای خیر بینند. مهرپرستی که یک آیین اخلاقی و عملی بود، به تأثیر رویا در زندگی بها داده و تأویل و تفسیر خواب، یکی از شعایر آن محسوب می‌شد (مبلغی‌آبادانی، ۱۳۷۳: ص ۳۱۲). با اینکه مهرپرستی آیینی رازورانه، سری و همراه با طی مراحل سخت و دشوار بود؛ اما ریاضت تن در آن راهی نداشت. به باور مهربان جسم انسان زندان روان است، قسمتی از آن به اهریمن و قسمتی دیگر به روشنایی گرایش دارد. اما تن‌آزاری ناروا و فاقد جایگاه در آن است. مهرپرست می‌توانست به تصفیه روان بپردازد و بخش تیره روان را آزاد سازد. اما حق آزار رساندن به جسم خود را نداشت. چراکه اندام‌های اورمزدی در تن آدمی به واسطه مهر باید دلیر و شادمان باشند. آسایش تن و شادمانه زیستن یکی از بنیادهای فلسفی در اندیشه‌های مهری می‌باشد و حفاظت تن که از آمیزش هفت فلز و هفت رنگ پدید آمده مقدمه‌ای برای شاد زیستن است (شورتهایم، ۱۳۸۷: ص ۲۲۴).

یکی دیگر از شعایر آیین میترایسیم، مراحل هفت‌گانه آنست. مراحل سیروسلوک که فرد مهرپرست را به کمال می‌رساند. آیین میترا به خاطر دیدگاه‌های باطنی‌اش که با مفهوم حیات روح و معراج از راه هفت قلمرو سیاره‌ای پیوند می‌خورد، توجه جهان رومی را به خود جلب کرد. مراحل هفت‌گانه تشریف به عالی‌ترین مقام میترایسیم نماد این معراج است. هفت مرحله‌ای که به جاودانگی ختم می‌شود. به باور میتراپرستان روح انسان از آسمان هشتم و جایگاه میترا بعد از عبور سیارات هفت‌گانه که هر یک جایگاه خدایی داشتند، به زمین می‌رسید. در جهان خاکی مؤمن مهرپرست پس از گذراندن هفت مقام سیروسلوک روحش را به کمال رسانده، دوباره با میترا یکی می‌شد. مراحل کمال این آیین را به صورت نردبانی با هفت پله نشان می‌دادند که هر یک واجد نشانه‌هایی از عناصر و اشیاء بود. فرد مبتدی برای رسیدن از درجه‌ای به درجه دیگر باید آزمون‌هایی را پشت سر بگذارند. برای ورود به جرگه مهرپرستان چشمان فرد را می‌بستند و دستانش را با رود مرغ‌گره می‌زدند و او را در گودال پر از آب می‌انداختند. پس از آن فرد رهایی‌بخش وی را نجات داده و فرد در زمره مهرپرستان قرار می‌گرفت. شخص پذیرفته شده چنانچه استعداد روحی و روانی داشت، می‌توانست به مراتب بالاتر مشرف شود.



### مراحل هفت گانه میترایسم

کلاغ (*Korax*) یا راون (*Ravan*): اولین مرحله از مراتب هفت گانه میتراپرستی مرحله کلاغ است. این مرحله متعلق به خدمه بوده و تازه وارد مدتی را به عنوان خدمه مشغول به خدمت می شد. وظیفه پذیرایی مهرپرستان در مهرابه‌ها به آنها سپرده می شد. در این مرحله مهر خاموشی بر دهان مبتدی می زدند و در هنگام مراسم، نقاب کلاغ بر چهره داشت. علامت مخصوص او چوبی بود که دو مار به دور آن چنبیره زده بودند یا همان عصای مرکوریا (*Caducee*) و عنصر هوا عنصر کلاغ محسوب می شد (حفظی یکتا، ۱۳۹۲: ص ۱۱). با توجه به اینکه هر مقامی را سیاره خاصی محافظت می کرد، سیاره مخصوص کلاغ عطارد (تیر) بود (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ص ۹۲)؛ (جنولی، ۱۳۸۲: ص ۹۹).

عروس (*Nymphus*) یا همسر، نامزده یا پوشیده: کلاغ با انجام یک سری از کارهای دشوار می توانست به مقام همسری برسد. عنوان این گامه کنایه از ازدواج عرفانی با میترا می باشد. این ازدواج ماهیت عرفانی داشته و مانع از ازدواج واقعی نمی شده است. پذیرفته شدگان این مرحله رازداران آیین میترا بودند که در مرحله قبل با خاموشی و سخن نگفتن خود را آماده ورود به این گامه می کردند (اولانسی، ۱۳۸۷: ص ۲۲). شورتهایم این گامه را کرکس خوانده است و درباره ویژگی این مرحله می نویسد: «نوباوه در گام دوم به کرکسی می رسد، زیرا کرکس به سوی مردار کشیده می شود. در نگرش درون نگرانه، مردار نماد همان آرایه‌های فریبنده زمینی (= جیفه دنیوی) است. در این گامه، شاگرد با یک ویژگی آشنا می شود و آن «دورنگری» و «نگرش» است که دورنگری، خود از ویژگی‌های کرکس است.» (شورتهایم، ۱۳۸۷: ص ۲۲۷).

سرباز (*Miles*) یا سپاهی یا جنگی: پس از آزمایش‌های سخت و دشوار مراسم تحلیف مهرپرست برگزار و وی رسماً به عضویت نیروهای میترا درمی آمد. اکثر مهرپرستان تا این مرحله بالا می آمدند. مهرپرست لباس قهوه‌ای به تن داشت، خدای حامی او مریخ (بهرام)، عنصر متعلق به او خاک و نماد وی نیزه، توبره و کلاهخود بود (اولانسی، ۱۳۸۷: ص ۲۲). در این گامه نوکار به اثرات سستی و کژی پی برده و راز موفقیت خود را نیرو و دلیری می یافت. ترتولین (*Tertullin*) می گوید: «آغازگری که به پایه میلس می رسد، تاج گلی به او هدیه می کردند و او با دستش آن را به سویی می افکند و دیگر از دست زدن به آن خودداری می ورزید، زیرا تاج گل به میترا خدای شکست ناپذیر (*Sol Invictus*) تعلق داشت.» (هوار، ۱۳۷۵: ص ۱۳۳).

شیر (*Leo*): یکی از مشکل ترین گام‌های سیروسلوک مهری گامه شیر است که شخص مهرپرست آزمون‌هایی را باید به جهت ورزیدگی اخلاقی، نفسانی و ذهنی پشت سر بگذارند. شخص خود را

از وابستگی‌های دنیوی رهانیده و دل به‌سوی مهر داشت (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ص ۹۲). مرحله شیر، مرحله مردان دلیر و جنگجو بود که خود را وقف مهر می‌کردند. بعد از مرگ اینان، شیرسنگی بر روی قبر شان قرار می‌گرفت. سورت‌هایم عمرولیث و یعقوب لیث را دو پادشاهی می‌داند که مهری بوده‌اند و به مرحله شیری رسیده‌اند (لیث= شیر) (سورت‌هایم، ۱۳۸۷: ص ۲۲۸).

پارسی (*Perses*): از مرحله شیر تا مرحله پدر را به فرد مهرپرست پیوسته می‌گفتند. پیوسته در این مرحله به درجه آزادگی می‌رسید. درجات قبل همگی زمینی بودند؛ ولی این مرحله روحانی است. اسرار فراوانی بر وی آشکار می‌شد و به پارسایی می‌رسید. کلمه پارسا برگرفته از همین کلمه است. شخص پارسا به مردمان، مهرمی ورزید و مهر را حامی خود می‌دانست. خدای حامی او ماه، لباسش خاکستری و نمادش داس می‌باشد. مقام پارسی همچنین کنایه‌ای از طبیعت و گیاهان دارد. همچنانکه نشان‌های این مقام یعنی ماه و داس هر دو با کشاورزی و دروگری تناسب دارد.

پیک خورشید (*Heliodromus*) یا مهرپویا: مهرپویا نماد خورشید است. میترا و خورشید روابط نزدیکی به هم داشته و با یکدیگر متحد هستند تا آنجا که مهر را پرتو خورشید معرفی کرده‌اند، پس از ورود مهر به اروپا، رومیان خدای خود سُل را به‌جای خورشید نهادند. اگر پارسی معرف و نماینده مشخص ایرانی در مقام‌های هفت‌گانه است. پیک خورشید نیز شاخص عنصر رومی است. در این گامه پیوسته می‌تواند به مهریاری انتخاب شود و در این راه، راهنمای نوکاران شود و خود نیز با چشم درون، روانش را از سایه‌های اهریمنی برهاند.

به هواداری او، ذره صفت، رقص کنان \*\*\*\* تا لب چشمه خورشید درخشان بروم  
(حافظ)

خدای حامی او خورشید، لباسش سرخ همراه با کمر بند زرد و علامت مخصوص او تازیانه، هاله و مشعل است.

پدر (*Pater*) یا پیر: این مقام عالی‌ترین مرحله تشرف برای شخص میتراپرست بوده است. او سرپرست مومنان میتراپرست و همراه بود. پدر آخرین گامی است که پیوسته برمی‌داشت تا با مهر یکی شود و به ذات خود برگردد. پدر که یک ستاره شناس بوده، مسئولیت تعلیم و تربیت نوکاران را به‌عهده داشت. پدر لباس سفید بر تن داشت، خدای حامی او زحل و نشانه او عصا، داس ساتورن<sup>۱</sup> حلقه و کلاه فریجی بود.

<sup>۱</sup> ساتورن از خدایان بزرگ روم بود که خدای کشاورزی و برداشت محصول به‌شمار می‌آمد.

یاد باد آنکه نگارم چو کله بشکستی \* \* \* \* \* در رکابش مه نوپیک جهان پیما بود

(حافظ)

کسی که به مقام پدری می‌رسید، مهر و مهربانی وجودش را تسخیر کرده، وجودش نهایت لطف و مهربانی به مردم بود. این همان مقام پیرمغان است.

حلقه پیرمغانم ز ازل درگوش است \* \* \* \* \* برهمانیم که بودیم و همان خواهد بود

(حافظ)

اما راجع به اینکه اطلاعات مراحل هفت‌گانه مهرپرستی چگونه به دست ما رسیده و اعتبار آن تا چه حد است، باید گفت این اطلاعات را آباء مسیحی، در قرون اولیه میلادی خصوصاً سنت ژرْم<sup>۲</sup> قدیس نقل کرده‌اند و بر اساس اکتشافات باستان‌شناسی و کتیبه‌های باز یافته این مراحل مورد تأیید قرار گرفته است. مهم‌ترین بنا برای شناخت مراتب هفت‌گانه موزاییک کف در اوستیا (Ostia) می‌باشد که می‌توان آن را «نزدبانی با هفت در» تصور کرد (مرکلباخ، ۱۳۹۴: ص ۹۲). آنچه از شعایر و مراحل سلوک آیین مهر بیان گردید، شاید این تفکر را در ذهن متبادر سازد که خاستگاه این باورها همانند اسطوره‌شناسی تخیل است؛ نه تفکر و در این مراحل، پندارها بر اندیشه‌ها رجحان دارد. غافل از آنکه ساختار بخش اعظم فلسفه یونان باستان برگرفته از همین پندارهاست. پندارهای مهری از یک طرف شالوده آیینی جهانی قرار گرفت که تا چندین سده بر بخش عظیمی از جهان سایه انداخت و از طرف دیگر زیربنای اندیشه‌های فلسفی ایران قرار گرفت که حتی اندیشه‌های زرتشت نیز نتوانست از آن بگذرد. عبادات و شعایر آیین میترا از آنچنان ساختار مستحکمی برخوردار بود که حتی پس از افول آن، بسیاری از این شعایر در آیین مسیحیت نمودار گردید. چنانکه تناول قربان (Repos communiel) مسیحیان برگرفته از ولیمه‌های مذهبی مهریان بود که با نان و شراب توأم بود (آکادمی علوم شوروی، ۱۳۶۶: ص ۹۴) و یا تقدس روز یکشنبه در مسیحیت که بر اساس شعایر مهرپرستی هر روز هفته وقف یکی از ستارگان هفت‌گانه بود و یکشنبه روز مقدس و خورشید به حساب می‌آمد، اقتباس گردید و هنوز هم شعایر و سخنان مهر از ارزش خاص خود برخوردار است. «... ای اسپتیمان، تو نباید مهر و پیمان‌شکنی نه آن (پیمانی که) تو با یک دروغ پرست و نه آنکه تو با یک راستی‌پرست بستی زیرا معاهده با هر دو درست است خواه دروغ‌پرست و خواه راست‌پرست.» (مهریشت، کرده ۱، بند ۲).

<sup>۲</sup> آب و دستور کلیسای لاتین، متولد ۳۳۱ میلادی و وفات ۴۲۰ میلادی در بیت لحم. ژرْم در کلیسای کاتولیک رم و کلیسای ارتدکس شرقی به‌عنوان قدیس مورد احترام قرار گرفته است.

### عروج میترا

میترا پس از انجام عمل مقدس قربانی گاو نر در روی زمین، آماده عروج و رفتن به آسمان بالا می شود. اما پیش از معراج ضیافتی ترتیب داده می شود که به شام آخر معروف است. شام آخر مراسم تودیع با یاران و شکرانه پیروزی میتراست. در ضیافت شام آخر پس از صرف گوشت گاو قربانی و افشرد هوم، میترا سوار بر گردونه چهار اسب می شود و به آسمان صعود می کند (رضایی، ۱۳۹۳، صص ۱۰۶-۱۰۲). میترا در عروج روحانی خود از هفت طبقه آسمان می گذرد و در هر طبقه به ارواح نیکوکاران کمک می کند تا با کم کردن علایق و سبک کردن گناهان خود به طبقات بالاتر آسمان صعود کنند. سرانجام میترا به طبقه هفتم می رسد و با ذات احدیت یکی می شود.

یکی سال زایش مهر و دیگری سال نیران یا مرگ مهر (مقدم، ۱۳۸۸: ص ۸۸). در نوشته تورقانی THID 79 راجع به مرگ مهر چنین آمده است: «بی کس و سوگوار کرد سراسر رم راستان را چه کد خدای درگذشت... در هنگام... و در شهریاری اخترپد... در شهریورماه شهریور روز دو شنبه جام یازده به سوی پدر روشن به کردگاری سوی میهن روشن...» (بهروز، ۱۳۸۷: ص ۱۳۵).

### نتیجه

شرح و تفسیر اساطیر اگر منطبق با تعالیم علم تاریخ و جامعه‌شناسی باشد و بر آن مسیر حرکت کند، بی گمان سودمند خواهد بود. داده‌های تاریخی و اجتماعی پوشش‌های اصلی اساطیرند و پژوهش‌هایی که بر این مدار حرکت می کنند با کامیابی بیشتری همراه هستند. حیات اسطوره‌ها دو گونه است: یا بین توده مردم حیات دارند؛ تا زمانی که با زندگی جامعه در ارتباط باشند و یا از زندگی مردم خارج می شوند و باید حیات آنها را در بین فرهنگ، ادبیات و کتاب‌ها جستجو کرد. یکی از برجسته‌ترین اساطیر ایرانی، اسطوره مهر است که ستایشش همه‌گیر شد و در این پژوهش سعی گردید جنبه‌های مختلف ایزد مهر، آیین مهر، اعتقادات، شعایر و ... بیان گردد.

در نوشته‌های ریگ‌ودا، نوشته‌های بازمانده باستان و سرودهای اوستا به نام این ایزد برمی‌خوریم. مهریشت سروده ویژه ایزد مهر، نشان از بزرگی و عظمت آن در بین دیگر ایزدان دارد. بر اساس مهریشت، مهر مظهر سه‌گانه پرستاری، پهلوانی و وا ستروی شی می‌باشد. مهر علاوه بر جنگاوری، دلیری و شهریاری، ایزد برکت، نعمت و دوستی نیز می‌باشد تا آنجا که بر فرهنگ ما اثری عمیق نهاده است. مهر راه نجات و رستگاری پیروان خود را، اعتقادات و انجام مناسک اسرارآمیز می‌داند. از همین رو آن را یک آیین رازورانه می‌خوانند. این جنبه مهرپرستی از یک طرف دلیلی بر کمبود اطلاعات در خصوص اعتقادات و شعایر این آیین کهن ایرانی گردید و از طرف

دیگر عاملی برای حفظ ظواهر و بواطن خود در گذر زمان و این امتیاز برجسته آیین مهر، نسبت به سایر آیین‌های اسطوره‌ای می‌باشد.

اصول سخت‌گیرانه مهری به خصوص مراحل هفت‌گانه تشریف به مقام‌های برتر از نوکاری تا پدری عاملی برای جذب انسان‌های شکست خورده و بریده از دنیا که تنها راه نجات بشریت را منجیان آسمانی می‌دانستند، بود. اعتقاد به قدرت مطلق ایزدان، احساس نیاز به منجی، نجات اخروی و داوری در روز قیامت از مهم‌ترین ابعاد مهرپرستی بود که توانست نه تنها در ایران بلکه جامعه سراسر ایزدان یونانی-رومی را درنوردد و در چندین قرن یک‌تاز جامعه روم گردد.

### منابع

۱. آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۸۱). *زرتشت، مزدیسنا و حکومت*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. آکادمی علوم شوروی (۱۳۶۶). *مبانی مسیحیت*. ترجمه: اسدالله مبشری. چاپ دوم. بابل: کتاب‌سرای بابل.
۳. آموزگار، ژاله (۱۳۹۱). *تاریخ اساطیری ایران*. چاپ چهاردهم. تهران: انتشارات سمت.
۴. اکثر شروو، پرودز (۱۳۹۲). *پژوهشی در آیین پارسیان*. ترجمه: بهزاد معینی سام. چاپ اول. تهران: انتشارات نیک خرد.
۵. اولانسی، دیوید (۱۳۸۷). *پژوهشی نو در میتراپرستی*. ترجمه: مریم امینی. چاپ سوم. تهران: نشر چشمه.
۶. باقری، مهری (۱۳۸۹). *دین‌های ایران باستان*. چاپ چهارم. تهران: نشر قطره.
۷. بالاتو، کلوسکا، و دیگران (۱۳۸۵). *دین مهر در جهان باستان*. ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
۸. بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۸۰). *نشان رازآمیز گردونه خورشید یا گردونه مهر*. چاپ سوم. تهران: موسسه انتشاراتی فرهنگی فروهر.
۹. بریان، پی‌یر (۱۳۸۲). *تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کوروش تا اسکندر)*. ترجمه: مهدی سمسار. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: انتشارات زریاب.
۱۰. بنونیست، امیل (۱۳۹۳). *دین ایرانی بر پایه‌ی متن‌های معتبر یونانی*. ترجمه: بهمن سرکاراتی. چاپ پنجم. تهران: نشر قطره.
۱۱. بهار، مهرداد (۱۳۹۵). *از اسطوره تا تاریخ*. چاپ نهم. تهران: نشر چشمه.

۱۲. بهروز، ذبیح (۱۳۸۷). *تقویم و تاریخ در ایران*. چاپ سوم. تهران: نشر چشمه.
۱۳. بیات، عزیزالله (۱۳۶۵). *کلیات تاریخ تمدن ایران پیش از اسلام*. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. بیانی، شیرین (بی تا). *تاریخ ایران باستان (۲): از ورود آریایی ها به ایران تا پایان هخامنشیان*. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. بی نا (۱۳۸۵). *ریگ ودا*. تحقیق و ترجمه: سیدمحمدرضا جلالی نائینی. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۶. پورداد، ابراهیم (۲۵۳۶). *یشت ها*. به کوشش بهرام فره‌وشی. جلد اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. پورداد، ابراهیم (۲۵۳۶). *یشت ها*. به کوشش بهرام فره‌وشی. جلد دوم. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۸. پورداد، ابراهیم، و گنجی، مرتضی (۱۳۴۳). *آناهیتا؛ پنجاه گفتار پورداد*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. پورداد، ابراهیم (۱۳۹۴). *فرهنگ ایران باستان*. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۲۰. جلالی نائینی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۴). *توضیح الملل*. تهران: نشر اقبال.
۲۱. حامی، احمد (۲۵۳۵). *بغ مهر*. چاپ اول. تهران: ناشر مولف.
۲۲. خورنی، موسی (۱۳۸۰). *تاریخ ارمنیان*. ترجمه: ادیک باغداساریان. چاپ اول. تهران: ناشر مولف.
۲۳. داندامایف، محمد (۱۳۸۶). *ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی*. ترجمه: روحی ارباب. چاپ چهارم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. دانای علمی، عباس (۱۳۹۱). *بررسی موسیقی در آیین مهر*. چاپ اول. تهران: انتشارات سوره مهر.
۲۵. دریایی، تورج (۱۳۹۴). *شاهنشاهی ساسانی*. چاپ هفتم. ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس.
۲۶. دومزیل، ژرژ، و دیگران (۱۳۹۱). *جهان اسطوره‌شناسی*. ترجمه: جلال ستاری. چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
۲۷. دیاکونف، م. م. (۱۳۵۱). *اشکانیان*. ترجمه: کریم کشاورز. چاپ دوم. تهران: انتشارات پیام.
۲۸. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۹۳). *اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان*. تهران: انتشارات در.

۲۹. رضی، هاشم (۱۳۵۹). *آیین مهر، میترایسیم*. تهران: انتشارات فروهر.
۳۰. رضی، هاشم (۱۳۸۲). *آیین مغان، پژوهشی درباره دین‌های ایران باستان*. تهران: انتشارات سخن.
۳۱. زرنر، آر. سی. (۱۳۷۵). *طلوع و غروب زردشتی‌گری*. ترجمه: تیمور قادری. تهران: انتشارات فرزین.
۳۲. شورتهایم، آمار (۱۳۸۷). *گسترش یک آیین ایرانی در اروپا*. ترجمه: نادرقلی درخشانی. تهران: نشر ثالث.
۳۳. شین‌پرتو، علی (۱۳۵۰). *پیک میترا*. تهران: کانون انتشارات مزدا.
۳۴. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۵). *گاه‌شماری و جشن‌های ملی ایرانیان*. چاپ اول. تهران: انتشارات شورای علمی و فرهنگی.
۳۵. صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷). *ماه در ایران از قدیمی‌ترین ایام تا ظهور اسلام*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۶. طبری، محمدبن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ طبری*. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. جلد دوم. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۳۷. عبداللهی، فرشته (۱۳۶۹). *دین زرتشت و نقش آن در جامعه ساسانی*. چاپ اول. تهران: انتشارات ققنوس.
۳۸. فره‌وشی، بهرام (۱۳۹۰). *کارنامه اردشیر بابکان*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۹. کالج، مالکوم (۲۵۳۷). *پارتیان*. ترجمه: مسعود رجب‌نیا. چاپ دوم. تهران: انتشارات سحر.
۴۰. کومن، فرانتس (۱۳۸۶). *دین مهری*. ترجمه: احمد آجودانی. تهران: انتشارات ثالث.
۴۱. کومون، فرانس (۱۳۸۸). *ادیان شرقی در کافرکیش رومی*. ترجمه: تیمور قادری. چاپ اول. تهران: انتشارات مهتاب.
۴۲. گیرشمن، رومن (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه: محمد معین. چاپ نهم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۴۳. گیمین، دوشن (۱۳۷۵). *دین ایران باستان*. ترجمه: رویا منجم. تهران: انتشارات فکر روز.
۴۴. لوکونین، ولادیمیر گریگوریچ (۱۳۵۰). *تمدن ایران ساسانی*. ترجمه: عنایت‌الله رضا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۵. مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۳). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*. جلد اول. قم: انتشارات منطق.
۴۶. مرکلباخ، راینهولد (۱۳۹۴). *میترا (آیین و تاریخ)*. ترجمه: توفیق گلی‌زاده. تهران: نشر اختران.

۴۷. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۴۴). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه: ابوالقاسم پاینده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۴۸. مشکور، محمد جواد (۲۵۳۵). *سیر اندیشه‌های دینی در ایران باستان*. چاپ اول. تهران: انتشارات مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی.
۴۹. مقدم، محمد (۱۳۸۸). *جستاری درباره‌ی مهر و ناهید*. تهران: انتشارات هیرمند.
۵۰. مولتون، جمیز هوپ (۱۳۸۴). *گنجینه مغان*. ترجمه: تیمور قادری. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۵۱. ورمازن، مارتین (۱۳۹۳). *آیین میترا*. ترجمه: بزرگ نادرزاده. چاپ هشتم. تهران: نشر چشمه.

#### مقالات

۱. برقبانی، زهرا (۱۳۸۳). «بررسی ادیان ایران باستان؛ با تأکید ویژه بر آیین میترایسیم». *مجله تاریخ پژوهی*، شماره ۱۸، بهار، ۱۵۰-۱۳۶.
۲. خدادادیان، اردشیر (۲۵۳۷). «دین اشکانیان». *مجله بررسی‌های تاریخی*، شماره ۷۶، خرداد و تیر، ۳۰۱-۳۲۰.
۳. شریفیان، مهدی، و غفوری، رضا، (۱۳۸۷). «بازتاب مهرپرستی در شاهنامه‌ی فردوسی». *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۱۴، پاییز، ۱۴۶-۱۳۱.
۴. قائمی، فرزاد (۱۳۹۱). «اسطوره نبرد مهر و گاور نخستین و ارتباط آن با ابزار نمادین گرز گاوسر». *فصلنامه ادب پژوهی*، شماره ۲۱، پاییز، ۱۱۰-۸۹.
۵. کبری، فاطمه (۱۳۸۶). «پیشینه مهر در منطقه آذربایجان شرقی». *فصلنامه علامه*، شماره ۱۳، بهار، ۳۴۵-۳۷۰.
۶. گرارادو، جنولی، و شجاعی، علیرضا (۱۳۸۲). «آیین میترا». *مجله هفت آسمان*، شماره ۱۹، پاییز، ۹۵-۱۰۲.
۷. مقدس جعفری، محمدحسین، و جنگجوی مادوانی، علی رضا (۱۳۸۵). «ادیان ایرانیان از آغاز تا کنون (پژوهش اجمالی)». *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۹، بهار، ۲۵۸-۲۳۱.
۸. نادرزاده، بزرگ (۱۳۷۶). «مهر، پیامبر روشن با دیهیم تابان». *ماهنامه فرهنگی هنری کلک*، شماره ۸۵ و ۸۶، فروردین و تیر، ۱۴۲-۱۳۳.



1. Clauss, Manfred (2000). *Tr. Richard Gordon, The Roman cult of Mithras*, Edinburgh University Press.
2. Ferguson, John (1985). *The Religions of the Roman Empire*, Cornell University Press.
3. Hinnells, Gohn R. (1968). "Christianity and the Mystery Cults", *Theology*, Vol 71, Issue 57. January.
4. Renan, Ernest (1899). *Marc-Aurèle et la Fin du monde antique*, Paris, Calmann-Lévy.
5. Vermaseren, Maarten Jozef (1963). "Mithras: The Secret God", *Barnes & Noble*.
6. Widengren, Geo (1965). The Mithraic Mysteries in the Graeco-Roman World with Special Regard to Their Iranian Background. *In La Persia eil Mondo Greco-roman issued by the Accademia Nazionale dei Lincei*, Rome.
7. Will, Ernest (1955). Le relief culturel Greco-